

آمیولانس

تغییر کاربری



پوریا عالمی

جملات حکیمانه زیر را بخوانید:

- باید از سخنانی که باعث تنش در جامعه شده و توهین به نخبگان است، پرهیز کنند.

- مقام ریاست‌جمهوری مطابق قانون اساسی مقام دوم کشور است، حرمت امامزاده را باید متولی نگه دارد، اگر قرار باشد رئیس‌جمهور در واکنش به مخالفان و منتقدان خود الفاظ رکیک به کار ببرد، قطعاً جایگاه رئیس‌جمهور تضعیف خواهد شد.

- چنین مباحثی در واقع یک نوع بدعت است، زیرا هیچ دولتی تاکنون با مخالفان و منتقدانش اینگونه رفتار نکرده است که از منتقدان بخواهند به جهنم بروند، من تذکر دادم که شاه زمانی که با مخالفان صحبت می‌کرد از آنها خواست پاسپورتشان را گرفته و از ایران خارج شوند، اما از آنها نخواست به جهنم بروند.

- ادبیات رئیس‌جمهور دیکتاتورمآبانه است.

- آقای روحانی باید از چنین الفاظی پرهیز کند و با این الفاظ بدعت دیکتاتوری را در کشور به وجود نیاورد.

- آقای رئیس‌جمهور پیش‌تر گفته بود ما مسئول بهشت‌رفتن مردم نیستیم، حال من می‌پرسم چطور شده مسئول جهنم‌رفتن مردم وی است و قصد دارند مخالفان را به جهنم بفرستند.

- راه عصبانیت فحش دادن نیست، راه آزادشدن از عصبانیت کمک‌خواستن از دانشگاه‌ها به‌خصوص در حوزه‌های اقتصادی است.

به‌نظر شما این جملات از چه کسی است؟

الف- مهاتما گاندی، ب- مادر ترزا، پ- بی‌بی قصه‌های مجید، ت- ای‌تی، ج- روح‌الله حسینیان

دعوت از حسینیان برای تولیدات بیشتر

حالا شاید بگویید عالمی خالی می‌بیند، اما باورتان بشود یا نشود جملات حکیمانه و اخلاقی بالا را روح‌الله حسینیان گفته است، به‌نظر ما دولت روحانی هیچ فایده‌ای نداشته باشد این حسن را داشته که بعضی‌ها را تغییر کاربری داده است، حالا یک‌چیز دیگر حسینیان گفته که من تصمیم گرفتم از او دعوت کنم بیاید ستون آمیولاس را بنویسد، چون معتقد به شایسته‌سالاری هستم و به نظرم تولیدات حسینیان خیلی پامزه‌تر از من است، می‌گویید نه؟ ببینید؛ حسینیان در پاسخ به این سوال که احمدی‌نژاد در دوره ریاست‌جمهوری خود توهین‌هایی به نمایندگان می‌کرد، چرا در آن زمان واکنشی نشان داده نشد، تصریح کرد: احمدی‌نژاد اینگونه زشت و کره به صحبت نکرد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۳ • ۱۶ شوال ۱۴۳۵ • ۱۳ آگوست ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۸۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۱۶ • اذان صبح فردا ۴:۵۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

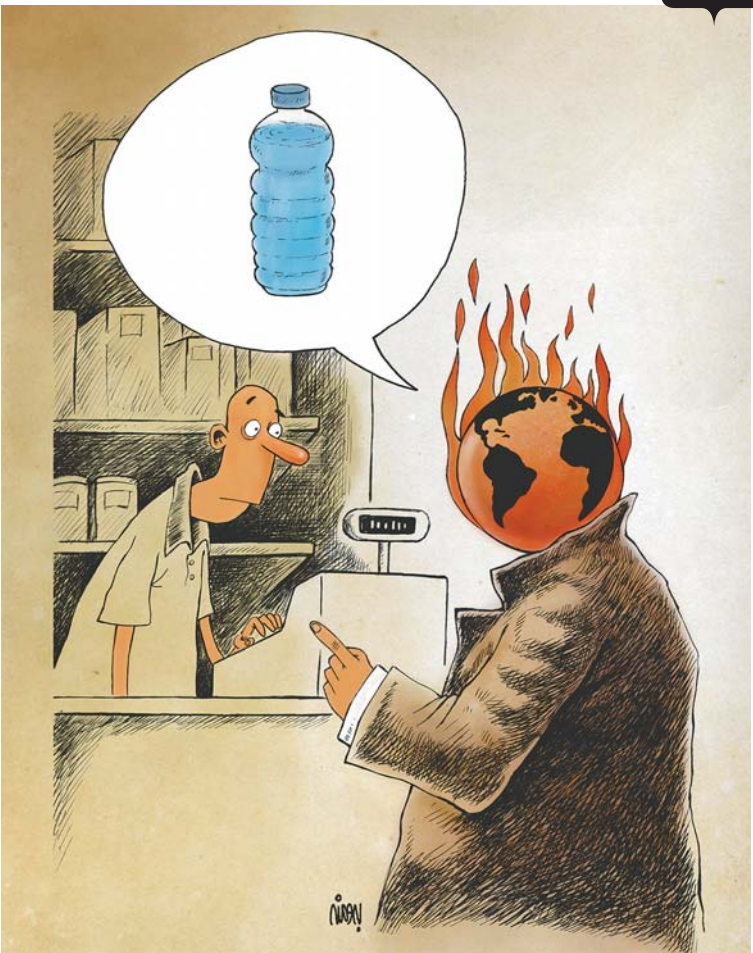
روزنامه‌رو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

پیام برومند

payam.borumand@gmail.com



گزارش فردا

چرا استهزا در جامعه رواج دارد؟ لطیفه‌سازی برای مرگ ۳۹ نفر

جعل روایت‌های تاریخی و دروغ‌سازی است. افکار عمومی از طریق بعضی از ایسن جوک‌ها که فقط برای خنداندن ساخته شده‌اند به حدی تخریب می‌شود که توقع ایجاد اعتماد دوباره آن بازماندگان با بستر جامعه، توقعی دور از دسترس است.»حال دل بازماندگان کشته‌شدگان حادثه مهرآباد اصلا خوش نیست، هیچ روانشناس، جامعه‌شناس و انسانی توصیه نمی‌کند که از این رویداد جوکی ساخته شود و دست‌به‌دست بچرخد، خصوصاً آنجا به گفته قزایی‌مقدم، بازماندگان مجبور می‌شوند برای احقاق حقتشان به وجدان عمومی جامعه تکیه کنند اما از خاطره تلخ این تسمخر، خود را بیش از قبل تنها می‌بینند. پس تا اطلاع ثانوی فقط آنهایی از «ایران ۱۴۰» و سقوطش بگویند که از حال دل بازماندگان غرق در اشک باخبرند.

که قزایی‌مقدم به بازتاب سنت انتقاد در شعر سعدی اشاره می‌کند که ۷۰۰ سال پیش توصیه کرده «هر که دست از جان بشوید، هرچه در دل دارد بگوید». بنابراین در پیش پای منتقدان یک راه بیشتر نمی‌ماند، جوک‌سازی: «جامعه‌ای که حرف دلش را، انتقادش را، نظراتش را با جوک بیان می‌کند که بار استهزا دارد اما اثر تخریبی‌اش روی روان بازماندگان به حدی بالاست که شاید تا مدت‌ها مرهمی نداشته باشد.» این استاد علوم رفتاری، رفتار چندروز اخیر برخی در ارتباط با ماجرای سقوط «ایران ۱۴۰» را مصادق بارز روحیه طنز به‌انحراف‌رفته جامعه می‌داند خصوصاً آنجا که برای بیشتر خنداندن مخاطب این جوک‌ها به‌سرآغ شایعات و دروغ می‌روند: «از یاد نبریم که مخرب‌ترین و مهلک‌ترین نوع ارتباط در جامعه‌شناسی،

سعید برآبادی: منتسب به مولانا مصرعی است که می‌گوید «گر ز حال دل خبر داری بگو». حالا آنهایی که تصاویر سقوط «ایران ۱۴۰» را دیده‌اند و فغان خانواده ۳۹ کشته این پرواز مرگ را، چطور می‌توانند بی‌خبر از حال دل بازماندگان دست‌به‌کار ساختن جوک و اس‌ام‌اس برای سقوط پرواز مهرآباد شوند؟ امان‌الله قزایی‌مقدم، جامعه‌شناس و متخصص علوم رفتاری برای این سوال یک پاسخ روشن دارد. او معتقد است که بخش عمده‌ای از این جوک‌سازی‌ها ریشه در انتقاد مردم به سیستم اجرایی سال‌های گذشته کشور داشته که اینطور بروز می‌کند: «مردم مقصر اصلی این حادثه را دولت قبل می‌دانند و به هر روشی که بتوانند دوست دارند این موضوع را اعلام کنند.» اما بسیاری از روش‌های انتقادی به‌بن‌بست می‌رسند، انطور

مرده‌ها- ۱۱

عذرخواهی از خوانندگان بابت چاپ داستان دیروز

چرا تن به القای این روایت دادید. من قصد داشتم باظرافت درگیری نفی و تقی را پیش ببرم. آنها واقعا سر هیچ چیز به هم گیر می‌دادند. آن قسمت که آب می‌ریزد روی چاله تقی و نفی را عصبانی می‌کند، نقطه‌عطف داستان است. این آدم‌ها که سال‌ها با هم رفیق بوده‌اند در یک سفر بی‌می‌برند چقدر از هم متنفرند. می‌خواستم نشان بدهم حتی نفرشان که‌هایه و حقیر است. نفرتی از این دست که تقی از رنگ بیژانه راه‌راه تقی حالش بهم می‌خورد ولی به رویش نمی‌آورد. تقی هم که شلوارک می‌پوشید و موهای پایش را بیرون می‌اندازد، تقی چندش می‌شود. تقی هم که سر ناهار پیاز را گاز می‌زند و مثل اسب آن را می‌جود، تقی می‌خواهد بشقاب را روی سرش خرد کند. همانجا به این دریافت می‌رسند که سال‌ها از یکدیگر متنفر بوده‌اند و بی‌دلیل با هم دوستی کرده‌اند. آقای احمد غلامی عزیز این چیزها که گفتم باید در داستان خوب پرورده شود و به بار بنشیند. پیشنهاد می‌دهم برای اینکه این فضاها را بهتر درک کنید و کسی به‌اشتباه داستانی به شما القا نکند، کتاب‌های «بکت» را بخوانید. لطفاً از پر خاشگیری‌ام نرنجید. اگر شما باز زنده‌ها طرف هستید، من با مرده‌ها طرفم، که اگرچه دستشان از دنیا کوتاه است اما خودشان به خدا نزدیک‌ترند. بابت چاپ جعلی این داستان از خوانندگان عذرخواهی کنید و بدانید شما هم می‌میرید و گذرتان به گورستان می‌افتد.

درست می‌گفت، اما جاقویی که می‌تواند برای من ببرد، برای دیگری هم می‌برد. فکر نمی‌کردم تا این حد از خالقتی و ذکالت بی‌بهرایید و اندکی هوشیاری و تامل نداشتید تا به جعلی و بازاری‌بودن داستانی که دیگری به شما القا کرده پی ببرید. باورتان نمی‌شود، چقدر از حماقتتان عصبانی هستم. چطور بعد از این همه سال نوشتن نتوانستید درک کنید، عشق نفی و تقی به ریخته، دختری معلول غیرواقعی و سانتی‌مانتال است. انطور که شنیده‌ام چند کتاب هم دارید. وامصیبتا به این مردم که ناچارند کارهای شما را بخوانند من حداقل ۱۵۰۱۰ داستان به شما القا کردم که ۹۰تا از آنها چاپ شده است. لحظه‌ای با خودتان فکر نکردید شاید این داستان جعلی باشد و کسی بخواهد آبروی من و شما را ببرد. قصد شما تم ندارم ولی حق بدهید عصبانی باشم. نفسی و تقی از آدم‌هایی بودند که زندگی نمی‌کنند و ادای آدم‌های زنده را درمی‌آورند. زندگی‌شان فعالیت بی‌ثمر است. حتی درک درستی از زندگی باتمر ندارند. بله درست است آنها در بگومگو با هم از دره پرت می‌شوند. اما باورتان می‌شود این بگومگو هیچ ربطی به ریخته ندارد. فرض محال که چنین دختری هم بوده. آیا دو جوان امروزی عاشق دختری می‌شوند که معلول است! منکر علاقه دارد در دنیای ممکن‌ها، ناممکن‌ها را خلق کند. شما که شعور انسانی دارید و از خیانت و جمال‌پرستی و منفعت‌طلبی آدم‌ها باخبرید،



احمد غلامی

آقای احمد غلامی دیروز از شما داستانی خواندم به نام «اختلاف فقط در یک نقطه بود» باورتان نمی‌شود چقدر شوکه شدم که این داستان را خواندم. این داستان جعلی است. جعل از روی قرائت من از مرگ تقی آرامی و نفی بهرامی که آن را دوستم «منکر» به شما القا کرده بود. این کار بسیار ناپسند بود اما ناپسندتر این است که شما نتوانستید تشخیص بدهید این داستان جعلی است. راستش فکر اینکه زندگی مرده‌ها را برای زنده‌ها روایت کنم، از من بود دنبال کسی می‌گشتم که این داستان‌ها را به او القا کنم تا زمینی شود. این کار تا حدودی پیش رفت و اگرچه چندان مورد قبول نبود ولی با شرایطی که داشتم یعنی عدم ارتباط با زنده‌ها راضی‌کننده بود، البته تا قبل از داستان جعلی مذکور. باید اعتراف کنم که بخشی از گناه چاپ این داستان بازاری برعهده من است، زمانی که می‌خواستم کسی را انتخاب کنم تا این داستان‌ها را به او القا کنم، «منکر» شما را پیشنهاد داد. می‌گفت، استعداد و خلاقیت چندانی ندارید و من به‌راحتی می‌توانم مفاهیم خودم را از زبانتان روایت و زمینی کنم.

سامسونگ SAMSUNG

نمایشگاه تلویزیون‌های Curved UHD TV Ultra High Definition 4K

تهران، مجتمع تجاری گلستان - مرداد ۱۳۹۳
ساعت ۱۹ لغایت ۲۳

قرعه کشی هر شب
رأس ساعت ۲۲:۰۰

بین بازدیدکنندگان نمایشگاه



4K
Ultra High Definition

فقط با ضمانت سه‌ساله
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۰۰۱۱ سرویس

SAMSUNG